



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۱۱۹ (از ۲ الی ۹ جوزا ۱۳۹۴ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می خوانید:

- مقدمه ۲
- گروه های ملیشه، چالش یا راه حل؟
- اربکی سازی جنرال پتریوس ۴
- برنامه ای برخلاف DDR ۴
- ملیشه سازی بر بنیاد قومیت ۵
- تجربه اربکی ها در ولایات ۵
- نتیجه ۶

افغانستان-پاکستان؛ اوسنی نگارې او د اړیکو راتلونکی

- د کابل-اسلام آباد وروستی اړیکې ۸
- آیا د پاکستان تگلاره بدله شوې؟ ۸
- د سولې خبرې او وروستی گنګوسی ۹
- د پاکستان ژمنې او خونړی جګړه ۱۰
- د کابل-اسلام آباد د اړیکو راتلونکی ۱۱

مقدمه

حکومت افغانستان در شماری از ولایات کشور به زورمندان و باشندگان محلی هزاران میل سلاح توزیع کرده که انتقادهای برخی نهادهای داخلی و خارجی را نیز در پی داشت. کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون امنیت داخلی ولسی جرگه از جمله نهادهایی اند که از توزیع سلاح به غیرنظامیان و افراد غیر مسؤول انتقاد کرده و این کار را تهدید جدی برای امنیت کشور در آینده می‌دانند. وزارت امور داخله افغانستان نیز گفته است که به غیرنظامیان سلاح توزیع نمی‌کند اما از تمامی خیزش‌های مردمی در برابر مخالفان مسلح دولت، پشتیبانی می‌کند.

این کشور جنگ‌زده در گذشته نیز گواه این‌گونه گروه‌های مسلح بوده که به سود هیچ‌کس درگیر نبوده است و این، یک کار آزموده شده با نتیجه منفی است. با آن هم این بار در کندز، ولایتی که گواه ناامنی‌های خیرساز بوده است، این تجربه آزموده می‌شود. پرسش اینجاست که حکومت در وجود نیروی 350 هزار نفری افغانستان چرا به ایجاد ملیشه‌ها روی آورده؟ و آیا احتمال دردرساز شدن این ملیشه‌ها در آینده وجود ندارد؟

از سوی دیگر، روابط و رفت و آمدهای مقامات پاکستانی و اظهارات اخیر آنان، بار دیگر خبرساز گشته است. از سفرهای مقامات پاکستانی به کابل طوری می‌نماید که این کشور تلاش می‌کند از فرصتی به دست آمده از سوی کابل، سود ببرد و برای اولین بار با همسایه‌ای روابط خود را عادی بسازد که همواره دچار تنش و اختلافات بوده است. اکنون کابل در پی آزمودن این پیام است که آیا به راستی "دشمن کابل، دوست اسلام‌آباد شده نمی‌تواند"؟

آیا سیاست پاکستان در قبال افغانستان تغییر کرده؟ و اینکه کابل خواهد توانست با به دست آوردن رضایت پاکستان، امنیت وصلح را در کشور تأمین کند؟ و سرانجام این روابط چه خواهد بود؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، تحلیل این هفته مرکز مطالعات استراتژیک و منطوقوی، در پی پاسخ است.

گروه‌های ملیشه، چالش یا راه حل؟



به دنبال گسترش ناامنی‌ها به شمال افغانستان، مقامات امنیتی افغانستان از تصمیم شان برای ایجاد تشکیلات ملیشه‌های محلی سخن گفته اند.

محمد عمر صافی والی کندز گفته است که برای مقابله با مخالفین مسلح دولت، همین اکنون در این ولایت یک نیروی مسلح دو هزار نفری ایجاد شده است.

اکنون سوال اینست که آیا می‌توان از ملیشه‌ها برای تامین امنیت در کشور استفاده کرد؟ و از این هم مهمتر، آیا دولت قادر به کنترل این نیروها خواهد بود و چه ضمانتی وجود دارد که این گروه‌های ملیشه به چالشی جدید فراراه امنیت مبدل نشوند؟

تجربه دوران حکومت کمونیستی گواه این حقیقت است که ملیشه‌ها زمانی به عنوان یک ضرورت برای تامین امنیت در کشور به کار گرفته شدند که دولت از توان رزمی نیروهای مسلح کشور مایوس شد. آیا افغانستان بار دیگر به همان مرحله داخل می‌شود؟

اربکی سازی جنرال پتریوس

زمانیکه جنرال دیوید پتریوس در سال 2010 به جای جنرال مک کریستال فرمانده نیروهای بین‌المللی در افغانستان تعیین گردید، وی با استفاده از تجربه عراق، برنامه ملیشه‌سازی در افغانستان را به عنوان یک راه حل مشکل طالبان روی دست گرفت. برنامه ملیشه‌سازی وی در عراق، به کمک قبایل سنی آن کشور، به صورت موقتی موجب تضعیف القاعده گردید؛ اما وی به این مسئله توجه نداشت که شرایط افغانستان و عراق از هم کاملاً فرق می‌کند. افغانستان قبلاً این برنامه را تجربه کرده بود که نتایج ناخوش آیند آن، در جنگ‌های داخلی به صورت واضح نمایان شده بود.

برنامه‌ای برخلاف DDR

بعد از حمله آمریکا به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، برنامه "دی دی آر" در افغانستان روی دست گرفته شد. مفهوم برنامه دی دی آر، خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد در محیط‌های پس از جنگ است تا شرایط برای توسعه و انکشاف اقتصادی فراهم آید.

این برنامه در افغانستان از سال 2001 تحت نظر سازمان ملل متحد آغاز شد و کشور جاپان با پرداخت صدها میلیون دالر به این برنامه، بزرگترین کمک کننده به برنامه دی دی آر بود.

بر بنیاد این برنامه باید سلاح از دست افراد غیرمسئول و نیروهای ملیشه گرفته می‌شد، زیرا وظیفه تامین امنیت و دفاع از کشور را نیروهای مسلح رسمی کشور شامل اردو و پولیس ملی باید به عهده می‌داشت و تشکیلات نظامی خارج از این نیروها مجاز نبود. در عین حال زورمندان محلی که با استفاده از این اسلحه چالشی فراراه بسط و توسعه قدرت حکومت مرکزی بودند، باید از دولت مرکزی اطاعت می‌کردند.

اما از همان ابتدا مشخص بود که این برنامه با کاستی‌های فراوان مواجه است، زیرا دیده می‌شد که سلاح‌هایی که بر بنیاد این برنامه جمع آوری می‌شد، اکثراً کهنه و از کار افتاده بودند.

از آن ببعد برنامه دیگری بنام "دایاگ" روی دست گرفته شد که هدف آن جمع آوری سلاح‌های غیرقانونی از زورمندان بود، اما این برنامه نیز سرنوشتی بهتر از "دی دی آر" نداشت.

ملیته‌سازی بر بنیاد قومیت

اگر حکومت بخواهد گروه‌های ملیشه را در ولایات کشور ایجاد نماید، قادر نیست تا ملیشه‌ها را بر بنیاد انگیزه‌های ملی و فراقومی گرد هم آورد. هر قوماندان ملیشه، افراد زیر دست خود را از قوم خود انتخاب می‌کند زیرا بر آنان اعتماد دارد. در عین حال تنش‌های قومی در ولایات را نباید نادیده گرفت. بنابراین وقتی افراد یک قوم به نیروی ملیشه پیوندند، امکان دارد تا قوم دیگر احساس خطر نموده حتی از روی ناچاری به صف مخالفین مسلح دولت پیوندند.

تجربه اربکی‌ها در ولایات

برای حکومت فقط مهم این است که از یک منطقه در برابر نیروهای مخالف حکومت دفاع صورت گیرد، اما گاهی این دفاع به جای اینکه به نفع حکومت تمام شود، برعکس موجب ضعف حکومت شده است.

مثال عمده آن کندز است که والی آن از مسلح ساختن یک هزار ملیشه در آنجا سخن می‌گوید. در این ولایت از چندین سال بدین سو تعدادی از افراد مسلح بنام اربکی وجود دارد که زندگی را به کام مردم تلخ ساخته اند. این اربکی‌ها به این بهانه که حکومت به آنها معاش نمی‌دهد، با استفاده از زور از مردم محل پول می‌گیرند. در بعضی از موارد حتی نهادهای بین‌المللی در مورد ملیشه‌های اربکی و دست داشتن آنان در اذیت و آزار و حتی کشتار مردم گزارشاتی به نشر سپرده‌اند.

در سال 2012 میلادی در کندز واقعه‌ای اتفاق افتاد که حتی والی وقت آن ولایت، از توجیه آن عاجز آمد. در اواخر ماه اگست آن سال، تعدادی از افراد مسلح به دنبال کشته شدن یکی از یاران شان به دست طالبان، در روستای "لوی کلم" ولایت کندز بیش از ده تن شامل زنان، اطفال و پیرمردان را کشتند.

در جواب اعتراض مردم به این جریان، والی آن وقت ولایت کندز به رسانه‌ها گفت که این افراد رابطه‌ای با حکومت ندارند بلکه افراد مسلح غیرمسئول اند که با طالبان می‌جنگند! این نخستین بار بود که این راز افشا گردید که در افغانستان گروه‌های مسلحی هم وجود دارند که پولیس ملی و اربکی هم نیستند، اما با طالبان می‌جنگند.

سوال اینست که این افراد که وابسته به حکومت نیستند، سلاح و مهمات را از کجا به دست می‌آورند و معاش و مصارف شان از کدام جهت تامین می‌شود؟

نتیجه

ملیسه‌سازی برای تامین امنیت در صورتی می‌تواند مؤثر باشد که این ملیشه‌ها تحت فرمان مستقیم پولیس ملی باشند و از کنترل خارج نشوند، اما در عمل این کار بسیار دشوار است.

گروه‌های ملیشه در افغانستان معمولاً تحت فرماندهی یک فرد زورمند که اکثراً سابقه خوب نیز نزد مردم ندارند، شکل می‌گیرند. ملیشه‌ها محدودیت‌هایی را که شمولیت در صف پولیس ملی برای شان به میان می‌آورد، نمی‌پذیرند و هر قدر فرمانده شان به آنان آزادی عمل بیشتر بدهد، به آن فرمانده وفادارتر باقی می‌مانند و همین آزادی عمل، آنها را مبدل به مشکلی برای مردم محل می‌سازد.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان طی گزارشی، اربکی‌ها را به بی‌اعتنایی آشکار به حقوق بشر و عامل هشتاد درصد خشونت‌ها علیه زنان و اطفال متهم کرده است. یکی از کمشنران این کمیسیون به رسانه‌ها گفت که بررسی‌های ما نشان می‌دهد که ملیشه‌ها با اذیت و آزار مردم و تجاوز به زنان و کودکان، حقوق بشر را نقض کرده‌اند.

فرقی نمی‌کند که نام این گروه‌های مسلح را ملیشه، اربکی یا پولیس محلی بگذاریم. آنچه مهم است عملکردهای آنان است که حکومت کنترل اندکی بر آنان دارد و حتی بدتر از آن، در بعضی از نقاط کشور گروه‌های مسلح غیرمسول وجود دارند که حکومت هیچ کنترولی بر آنان ندارد و فقط به خاطر مخالفت آنان با طالبان، حضور آنان و اعمال شان علیه مردم را، نادیده می‌گیرد.

اما سوال مهم این است که آیا دولت نسبت به توان نیروهای امنیتی کشور در ایجاد امنیت و صلح در کشور ناامید است که دست به دامن گروه‌های ملیشه شده است؟

افغانستان-پاکستان؛ اوسنی تگلاری او د اړیکو راتلونکی



د پاکستانی رسنیو د راپورنو له مخې، د پاکستان دولت افغان طالبانو ته خبرداری ورکړی، که په افغانستان کې خپل پسرلني عملیات ونه دروي او سولې ته مخه نه کړي، بنایي ناوړه پایلې به ولري. له دې وړاندې نواز شریف هم کابل ته د سفر پرمهال د طالبانو پر خلاف نوې څرگندونې وکړې، چې پخوا یې د پاکستان په سیاست کې بېلگه نه وه لیدل شوې، ده وویل: «د کابل دښمنان د اسلام‌آباد ملگري نه دي».

له تېرو څو میاشتو راهیسې د کابل-اسلام‌آباد اړیکې تر ډېره بریده ورغول شوې او د دواړو هېوادونو د جگپوړو چارواکو سفرونه هم زیات شول. د پاکستان په اړه د کابل تگلاره بدله شوې او کابل هیله لري چې اسلام‌آباد هم خپل سنتي دریځ بدل کړي.

له دې سره تېره اوونۍ وال سټریټ ژورنال په چین کې د طالبانو او د افغان حکومت د سولې خبرو اترو په تړاو هم خبرونه خپاره کړل او په اسلام‌آباد کې د استانبول پروسې یوه مقدماتي ناسته هم وشوه، چې د افغانستان له خوا پکې د بهرنیو چارو وزارت مرستیال حکمت خلیل کرزي ونډه واخیسته.

د کابل-اسلام آباد وروستی اړیکې

د افغانستان او پاکستان د دوه اړخیزو اړیکو له بڼه کېدو سره، د دواړو هېوادونو د چارواکو سفرونه هم زیات شول. یوازې په تېرو څو میاشتو کې د پاکستان د بهرنیو چارو او ملي امنیت سلاکار سرتاج عزیز درې ځلې، لوی درستیز راحېل شریف درې ځلې او د آی اس آی مشر رضوان اختر څلور ځلې کابل ته سفرونه کړي دي. د دې ترڅنگ د پاکستان د سوداګرۍ وزیر خرم دستګیر، د خیبر پښتونخوا والي پرویز خټک له خپلو وزیرانو سره، د پښتنو سیاسي ګوندونو مشران (افراسیاب خټک، افتاب شېرپاو، اڅکزی)، د پیپلز ګوند مشران لکه آصف علي زرداري، یوسف رضا گیلاني او شیري رحمان هم کابل ته سفرونه درلودلي وو او د یوه خبر له مخې، د پاکستان د مذهبي ګوندونو مشرانو لکه مولانا فضل الرحمان او سراج الحق هم د افغان حکومت رسمي بلنه منلې ده.

دا چې له تېرو څو میاشتو راهیسې د اسلام آباد او کابل ترمنځ د جګپوړو چارواکو سفرونه زیات شوي، تر شا یې لامل دا کېدای شي، چې د یو بل په تړاو د دواړو هېوادونو خارجي سیاستونو تر یوه حده بدلون موندلی دی. افغان حکومت له تېرو پنځو میاشتو راهیسې تر ډېره پاکستان محوره خارجي سیاست غوره کړی او له بلې خوا د افغانستان په تړاو د اسلام آباد خارجي سیاست هم، که په بشپړ ډول بدلون نه دی موندلی، خو له تېرو پنځو میاشتو راهیسې وخت ناوخت داسې څرګندونې کوي، چې افغان چارواکي یې هیله من کړي دي.

د کابل پاکستان محوره خارجي سیاست پر افغان حکومت هم اغېزې لرلې. له یوې خوا د حکومت له دننه او بهر څخه تر نیوکو لاندې راغی او له بلې خوا دغه سیاست افغان طالبان هم وپارول؛ ځکه سره له دې چې د افغانستان په تړاو د پاکستان د پالیسۍ بدلون پر افغان طالبانو یو څه اغېز بندلی شي، خو طالبان بیا خپلې چارې خپلواکې ګټي او د افغانستان د سولې په تړاو خپل سیاستونه او تګلارې د پاکستان له اغېزو او فشارونو لرې بولي. له همدې کبله د طالبانو وروستي خونړي بریدونه د دې پر ځای چې د پاکستان دوه مخی سیاست ثابت کړي، دا حقیقت ثابتولی شي چې طالبان غواړي د دغو عملیاتو له لارې خپله خپلواکي ثابته کړي.

آیا د پاکستان تګلاره بدله شوې؟

دا بحث چې آیا د افغانستان په تړاو د پاکستان خارجي سیاست بدلون موندلی کنه؟ په پاکستان کې د جنرال مشرف د واکمنۍ له پای ته رسېدو سره او د پیپلز ګوند له واک ته رسېدو سره راپورته شو. وروسته بیا په ۲۰۱۳ کال کې هم هغه مهال دا بحث تود شو، چې د نواز شریف مسلم لیګ ګوند ټاکنې وګټلې او په ۲۰۱۳ کال کې

یې افغانستان ته سفر وکړ؛ خو نه د پېپلز گوند او آصف علي زرداري د واکمنۍ پرمهال او نه هم بیا د نواز شریف د واکمنۍ پرمهال د اسلامآباد افغان تگلارې بدلون وموند.

په افغانستان کې د ملي وحدت د حکومت له جوړېدو سره او د پېښور په یوه پوځي ښوونځي له خونړي برید وروسته یو ځل بیا داسې ذهنیت جوړ شو، چې د پاکستان افغان تگلارې نور بدلون موندلی دی. افغان حکومت هم د هېواد د سولې او د پاکستان د دغه بدلېدونکي حالت له کبله اسلامآباد ته هیله من شو او پاکستان ته یې پرله پسې امتیازات ورکړل.

د پاکستان په تړاو د افغانستان بدلېدونکي خارجي سیاست یوازې پاکستان ته گټه ورسوله، پاکستان نه یوازې دا چې امتیازات ترلاسه کړل، بلکې تر ډېره یې له هند سره د افغانستان پر نږدې والي هم اغېزه وکړه او افغانستان یې د حامد کرزي د دورې په پرتله له هند څخه لرې کړ.

د سولې خبرې او وروستی گنگوسي

تېره اوونۍ وال سټريټ ژورنال یو خبر خپور کړ، چې د چین په ارومچي ښار کې د پاکستان د آی اس آی او د چین په همکارۍ د طالبانو او د افغان حکومت د سولې عالي شورا ترمنځ د سولې په تړاو خبرې اترې وشوې. دا خبر په نړیوالو او افغاني مطبوعاتو کې په ډېر پراخ ډول خپور شو. خو طالبانو بیا د چین خبرې اترې رد کړې او په خپله اعلامیه کې یې دغه خبر «پروپاگنډ» وباله او د سولې شورا یې «جعلی» وبلله.

ویل کېږي چې د سولې عالي شورا د درالانشاء مشر معصوم ستانکزی په دغو خبرو کې برخه اخیستې او د طالبانو په استازیتوب ملا عبدالجلیل، ملا محمد حسن رحمانی او ملا عبدالرازق هم گډون کړی دی؛ خو د طالبانو رسمي اعلامیه ته په کتلو سره نه برېښي، چې د طالبانو رسمي استازو به په دغو خبرو اترو کې برخه اخیستې وي. ځینې سرچینو د ستراتیژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز ته تایید کړه، چې دغه کسان د طالبانو د قطر دفتر غړي نه دي. البته دا هم له امکانه لرې نه برېښي، چې دغو کسانو به د طالبانو او سولې عالي شورا ترمنځ د منځگرتوب په موخه خبرې اترې کړې وي او موخه به یې یو بل ته د پیغام رسول او باور جوړول وي. له همدې ځایه داسې هم ویل کېږي، چې معصوم ستانکزی له دغو خبرو اترو یوه ورځ وروسته د دفاع وزارت ته نوماند کړای شو.

که طالب استازو هم په دې غونډه کې گډون کړی وي، نو دې حقیقت ته په کتو سره، چې پاکستان په دې وروستیو کې د افغانستان د سولې په بهیر کې د خپل رول زیات ښودلو لپاره ډېری وختونه د خپلو مطبوعاتو له لارې داسې خبرونه خپروي چې حقیقت هم نه لري. د بېلگې په توگه څه موده مخکې پاکستانی رسنیو داسې خبرونه خپاره کړل چې د طالبانو د قطر د دفتر غړی قاري دین محمد له پاکستانی چارواکو سره د افغانستان د سولې د خبرو اترو لپاره اسلام اباد ته سفر کړی او دا خبرې به په یوه اوونۍ کې په کابل کې پیل شي؛ په داسې حال کې چې دې خبرې حقیقت نه درلود. اوس هم که چین ته د طالبانو استازي له اسلام اباد څخه تللي وای، پاکستانی رسنیو به دا خبر خپور کړی وی؛ ځکه نو داسې ښکاري چې د چین په غونډه کې گډون کوونکو طالب استازو ته پاسپورتنه هم په کابل کې صادر شوي دي.

دا چې دغه پورته خبره به تر کومه ځایه پورې ریښتیا وي، په دې اړه لاهم کافي شواهد نشته؛ خو د سولې عالي شورا د ځینو غړو مرکو ته په کتلو سره ویلای شو، چې په چین کې ناسته شوې؛ خو دا چې په ناسته کې خبرې شوې دي کنه، لا څرگنده نه ده.

د پاکستان ژمنې او خونړۍ جگړه

پاکستان له افغان حکومت سره داسې مهال د سولې په تړاو تکراري ژمنې کړې، چې طالبانو د تېرو کلونو په پرتله ډېره پراخه او تونده جگړه اعلان کړه. د طالبانو جگړې په تېرو کلونو کې ساری نه درلود. په قطر کې د پگواش په غونډه کې هم طالبانو د ولسمشر غني له پاکستان محوره سیاست سره حساسیت ښکاره کړی و. دا لومړی ځل و چې طالبانو په ښکاره د پاکستان په تړاو د افغان حکومت پر سیاست نیوکه وکړه. که څه هم طالبانو په څرگند ډول د پاکستان نوم نه و یاد کړی؛ خو اشاره یې دغه هېواد ته وه.

د طالبانو د پسرلنیو عملیاتو توند پیل پر دغې افغانې ډلې د پاکستان اغېز ښه څرگندوي. اوس ویل کېږي، پاکستان ژمنه کړې چې دا عملیات به ودرول شي او افغان طالبانو ته یې په دې تړاو گواښ کړی. مگر یوه خبره له پخوا د پاکستان په سیاستونو کې څرگنده ده چې پاکستان د طالبانو په تړاو خپل رول له حقیقت څخه ډېر اوچت ښودلی او له دې کاذب رول څخه یې د مذاکراتو پر مېز ډېره گټه هم پورته کړې ده. دې رول ته د

ولسمشر غني سياستونو هم په غير ارادي ډول د حقيقت بڼلو هڅه کړې او د دې پر ځای چې په کور دننه د جگړې د پراختيا لاملونه په گوته کړي، هر څه د پاکستان په لاس کې گڼي.

په تېر کې هم افغان حکومتونه له ورته ستونزې سره مخ وو. د ملي يووالي حکومت لږ تر لږه دا هم ونه شو کړای، چې د ښې حکومتوالۍ له لارې حداقل د پلازمېنې کابل د خلکو زړونه لاسته راوړي. د نوي حکومت له تشکیل راهيسې په پلازمېنه کابل کې هم، خلک د پخواني ولسمشر د حکومت ارمان کوي. په دې برخه کې د ولس سطحې نظر پر خپل ځای؛ خو د نوي حکومت ناکام سياستونه او ستونزې يې اصلي لامل دي.

د کابل-اسلام آباد د اړيکو راتلونکي

د نواز شريف او راحېل شريف وروستي گډ سفر به ښايي يو ځل بيا د افغان حکومت اندېښنې، د خپلو هغو څرگندونو پرمټ چې پخوا يې نظير نه و ليدل شوی، راکمې کړې وي؛ خو د کابل-اسلام آباد راتلونکې اړيکې به تر ډېره پر لاندې دوو عواملو راڅرخي:

- په افغانستان کې امنيت؛

- د سولې پروسه.

پاکستان له تېرو څو مياشتو راهيسې د افغانستان د سولې په تړاو مثبتې څرگندونې کوي؛ خو په عملي ډگر کې لاهم هېڅ نه دي ليدل شوي او امنيت هم خورا زيات خراب شوی. د يوناما د يوې څېړنې له مخې د ۲۰۱۵ کال په لومړيو څلورو مياشتو کې په مختلفو چاودنو او بريدونو کې ۹۷۴ ملکي کسان وژل شوي او ۱۹۶۳ تنه نور تپيان شوي دي. همدا راز د نيويارک ټايمز د رپوټ له مخې د ۲۰۱۵ کال په لومړيو څلورو مياشتو کې د افغانستان د ملي اردو او پوليسو ۱۸۰۰ سرتېري وژل شوي او ۳۴۰۰ نور تپيان شوي دي.

دا چې افغان حکومت ولې تر اوسه د سولې په تړاو پر پاکستان نېک گومان کوي او لاهم د انتظار شېبې تېروي تر شا يو لامل دا هم دی، چې هرکله په کابل کې د پاکستان په تړاو اندېښنې او شکونه زيات شي نو پاکستانې مطبوعات او لوړپوړي چارواکي داسې څرگندونې وکړي، چې تر يو څه حده د افغاني مشرانو اندېښنې راکمې کړي. خو دغه حالت به تر ډېره دوام ونه کړي او له پاکستان سره به د کابل راتلونکې اړيکې د افغانستان له

سولې او ثبات او امنيتي وضعیت سره تړاو ولري. ځکه دواړو لورو د نويو اړیکو د ټینګولو پرمهال دوی تېروتنې وکړې:

لومړی؛ افغان حکومت داسې وانګېرله چې پاکستان کولای شي، طالبان په زوره خبرو اترو ته چمتو کړي؛

دویم؛ پاکستان له خپلې وسې پورته داسې ونښودله، چې طالبان د پاکستان په لاس کې دي او څه چې پاکستان ترې غواړي، ترلاسه کولی یې شي.

له همدې امله، هر څومره چې په افغانستان کې امنيتي حالت خرابېږي، پر به یې پر پاکستان اچول کېږي، افغان حکومت به د ملت تر فشار هم لاندې وي او داسې به د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې یو ځل بیا د خرابېدو پر لور ولاړې شي.

پای



ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrskabul.com - csrskabul@gmail.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com

شماره تماس: (+93) 784089590